

#### سبک مراقبت



بانک‌ها برای مقابله با رباخواری کمک نمی‌کنند

# اسم نزول خواری را گذاشته‌اند فعالیت اقتصادی!

مرضیه بامیری

ربا سودی ظالمانه در معامله با تجارت است. ربا چندین بار در قرآن در سوره‌های مختلف از جمله نسا و آل عمران به شدت مورد نكوهش قرار گرفته و گناهی است که از آن به عنوان جنگ با خدا نام برده شده است.

ربا یکی از ارکان نابودی خانواده است. خدا به شدت از رباگیرنده و

■ **بانک‌ها منصفانه وام نمی‌دهند**

**عباس کریمی / ۵۰ساله / گارمند**

به نظر من این بانک‌ها هستند که با شرایط سختی که گذاشته‌اند مردم را به سمت رباخواری سوق می‌دهند. اسمش بانکداری اسلامی است ولی در گرفتن سود بیشتر با هم رقابت می‌کنند. یک بانک با سپرده ۱۰ میلیون تومان سه برابر وام می‌دهد یکی دو برابر. آن یکی که کمتر می‌دهد سودش کمتر است. حالا فکر کنید من به پدر برای سامان دادن به زندگی دختری یا پسر جوانم نیازمند وام باشم.

باید اواره بانک‌ها بشوم ببینم بانک کدام شرایط پرداخت تسهیلاتش آسان‌تر است. بعد تازه بیرسم شرایط پرداختن را دارم یا نه. با این حقوق کم و خرج زیاد از پس قسط‌هایش بر می‌آیم یا نه. اگر همه چیز می‌مویا بود و وام تصویب شد تازه می‌رویم سسر اصل مطلب یعنی پیدا کردن ضامن. کارمند باشد، فیش حقوقی بیاورد، چک بدهد.

آخر آدم حساسی در این دوره و زمانه چه کسی حاضر می‌شود فیش حقوقی‌اش را نشان کنسی بدهد؟ اصلاً خیلی شرکت‌ها و سازمان‌ها فیش اینترنتی می‌دهند. چطور از رهن و امضا کنند برای بانک؟ تازه حتماً هم باید رسمی باشد. آنقدر جذب نیروهای رسمی و پیمانی در ادارات کم است که کم‌کم نسل‌شان روبه انقراض است. همین چند تا کارکنم رسمی هم که پیدا شود سقف ضمانت‌شان بر است. حالا چقدر خواهش و تمنا کنند که واحد اداری نامه را برای بانک بنویسد آن هم بماند. حالا می‌رویم سسر بر کردن حساب که باید چند روزی یک مبلغ مشخص به عنوان کار کرد در حساب باشد. دوباره بساط روزن به این و آن برای بر کردن حساب. وام هم که پرداخت می‌شود اول سود آنرا حساب می‌کنند و بعد

### قصه زندگی

هم مبلغ زیادی از وام را بلوکه می‌کنند. فکرش را بکنید با این همه دوندگی و به اسم وام ۱۵ میلیونی در نهایت چیزی که دستت را می‌گیرد حدود ۱۳ میلیون است و قسطی که هر ماه باید بدهی.

خدا نکند گرفتار باشی و یادت برود یا نتوانی قسط دو ماه را بدهی، گوشه‌ی را برمی‌دارند و آبرو و شرف‌ت را جلوی ضامن‌هایی که با آنها رودریاستی داری می‌برند. این چرخه گرفتن وام در کشور است. حالا آنهایی که به خاطرش دروغ می‌گویند و مجبورند فاکتور خرید کالا بیاورند یا مثلاً وام نوسازی بگیرند در حالی که برای هیزه‌ی به شهر به دانشگاه می‌خواهند بماند. اینکه هر مغازه‌ای به خاطر ندادن مالیات راضی به دادن فاکتور صوری نمی‌شود، بماند. حالا من باید انتخاب کنم. یا تمام در درس‌های وام ۱۳ تومانی را رفتن سراغ دوست یا آشنایی که کارم را یک شبه راه می‌اندازد. فرقش با بانک این است که علاقی ندارد. همان مبلغی که بخواهی وام می‌دهد و در ازایش یک می‌گیری. حالا سود هم که

می‌گیرد فرض می‌کنم سود بانک است. وقتی دولت با آن همه اما و اگر برآیم سود می‌نویسد، چه فرقی دارد به دولت سود بدهم یا فرد. حداقل در این مدل وام گرفتن شرمند ضامن‌ها نمی‌شوم. اصلاً شاید من نخواهم کسی از اقوام بداند وام گرفته‌ام. آنقدر بروسه وام طولانی است که دیگر نتها کسی که نمی‌داند خواجه حافظ شیراز است

و خلاصه اینکه خودم می‌دانم این ربا و حرام است، ولی چاره چیست وقتی راه دیگری نداری؟

■ **با پول خودم دارم کار می‌کنم!**

■ **تراب‌زاده / نزول‌دهنده**

هر کس پیش من می‌آید با رضایت خودش می‌آید. من خنجر روی گلوئی کنسی نمی‌گذارم که بباز از من پول بگیر. وقتی کسی پا به دفتر من می‌گذارد یعنی فکر همه



## درد

مشکلاتم کم که نشد هیچ از در و دیوار برای‌مان گرفتاری بارید و پرکت از زندگی‌ام رفت. این شد که نتوانستم قسط‌ها را بدهم. چند ماه روی هم تلمبار شد. خاصیت پول نزول این است که هر چه می‌دهی به جای کم شدن زیادتر می‌شود. تا وقتی که نتوانی اصل پول را بدهی باید مدام اسکونت بدهی. اندازه کل پول، سود داده بودم ولی چیزی از اصل کم نمی‌شد

# درد

وقتی هر دو از این فرآیند راضی هستند چطور می‌شود این روند را متوقف کرد؟ مگر کشور ما اسلامی نیست پس چرا سود تسهیلاتی که با سخت‌ترین شرایط در اختیار مشتری قرار می‌گیرد بیشتر از کشورهای غیر اسلامی است؟ وقتی پای صحبت‌های مردم می‌نشینیم نظر اتشان درباره چرخه معیوب بانکداری و رواج ربا در کشور شنیدنی است.

جوانیش را کرده است. دیروز یکی پیشم آمد که خیلی گرفتار بود. همسرش تصادف کرده بود و او نیاز فوری به پول داشت. هیچ کسی نمی‌توانست به راحتی من مشکلم را حل کند.

با یک تلفن و توافق سر مبلغ اسکونت، پول را برایش ریختم و او هم چک‌ها را برآیم فرستاد. من در واقع حلال مشکلات آدم‌های گرفتار هستم. اغلب دیر سراغم می‌آیند ولی زود جواب می‌گیرند. آدمی داشته‌ام که صاحبخانه ته‌دید کرده استبایش را در گوچه می‌ریزد. یا کسی که چکش برگشت خورده و حکم جلبش را گرفته بودند و خیلی آدم‌های گرفتار دیگر که با پول‌های من گرهشان باز می‌شود. اگر پولم را در بانک بخواینام با این تورم و بی‌ارزش شدن هر روزه پول، چیزی دستم رانمی‌گیرد.

سرمایه‌گذاری در بورس و خرید طلا هم در بازاری که تکلیفش معلوم نیست عین دیوانگی است. پس بهترین راه سودآور و امن‌ترین راه که اصل پولت کم نشود کار کردن با آن در بازار است. بدون هیچ زحمتی. ماه به ماه سود پولت را می‌گیری و هیچوقت با این شیوه، پولت روی زمین نمی‌ماند. می‌دانم مردم حس خوبی به این مدل از قرض دهنده‌ها ندارند ولی من دارم ارزش پولم را با کار اقتصادی حفظ می‌کنم. اصلاً فکر نکنید نزول دهنده شاخ یا دم دار. یکی مثل شماسست که قفط می‌داند چطور با پولش کار کند!

■ **دستی دستنی خودم را گرفتار کردم**

■ **رشیدیایی / نزول‌گیرنده**

چند سال پیش پسرم به دلیل یک اشتباه و اعتماد به دوست شریکش در زندان افتاد. فشار خانواده برای آزادی و حرف و حدیث مردم خواب و خوراک را از من گرفته بود. باید رضایت طلبکارها را می‌گرفتم آن هم با

# سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۴۷۱

#### سبک برنامه‌ریزی



نقش زنان در اقتصاد خانوار و الگوسازی سبک مصرف در جامعه

## بانوی خانه، مدیر اقتصادی خانواده

■ **محمدرضا سهیلی‌فر**

کار و کسب در آمد، امرامعاش و اسکان، ابتدایی و ضروری‌ترین موضوعی است که همواره با زندگی ما همراه بوده و قسمت عمده‌ای از حیات انسانی را تشکیل می‌دهد. بدیهی است نظام اقتصادی حاکم بر کشور باید به گونه‌ای باشد که بتواند با پیشرفت زندگی بشر و فناوری، مشکلات و موانع موجود را در هر عصر و دوره‌ای برطرف نماید؛ در غیر این صورت زندگی عادی از توازن خارج شده و تبعات منفی فردی و اجتماعی متعددی به همراه خواهد داشت.

اما صرف نظر از سیاست‌ها و اقدامات اقتصادی دولت‌ها، بررسی وضعیت اقتصادی یک خانوار توسط سرپرستان آن یعنی زن و شوهر و در پی آن اتخاذ سبک اداره مالی زندگی‌شان مطابق با زمان خود که منتهی به کنترل صحیح مالی و هماهنگی بین هر یک از اعضای خانواده شود نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. بی‌تردید در این برهه، نقش زنان به عنوان مدیران خاموش خانواده برای ترویج فرهنگ درست اقتصادی نقشی مهم و کلیدی است.

تغییر و تعدیل شیوه زندگی خانواده‌ها از جمله راهکارهای مؤثر در تحقق اهداف اقتصادی خانوار محسوب می‌شود. همان‌طور که نهاد خانواده به عنوان واحد کوچکی از اجتماع در پیشرفت، الگوسازی برای نسل بعدی و توسعه فرهنگی جامعه نقش اول را ایفا می‌کند، همچنین می‌تواند در توسعه و رشد اقتصادی جامعه نیز نقش اساسی را ایفا کند و میزان، نحوه و نوع حضور این نهاد در عملکرد و چرخه اقتصادی کشور تأثیرگذار خواهد بود. معمولاً خانواده‌ها در سبک مصرف تابع زنان خانواده هستند و تجربه ثابت کرده زنان در اقتصاد خانوار بسیار مؤثرتر از مردان به عنوان الگوساز سبک مصرف عمل می‌کنند. امروزه برای ما ایرانیان شناخت سبک صحیح مصرف و اتخاذ سبک صحیح و کارساز اداره اقتصادی خانواده و به ویژه توسسل به راهکارهای موفقیت‌آمیز مدیریت اقتصادی خانواده تاوم با الگوپذیری از آیات قرآن مجید و سیره معصومین(ع) بسیار ضروری است. در شرایط کنونی کشور، هر یک از اعضای خانواده با اتخاذ تدابیری درست می‌توانند

اندازه کل پول، سود داده بودم ولی چیزی از اصل کم نمی‌شد و وقت و بی‌وقت برآیم پیغام می‌فرستاد. عاقبت یک روز خسته شدم. رقم سرآغ یکی از مسئولان شهر و گفتم فلانی پول می‌دهد و من هم گرفتارش شدم. با شناختی که از خانواده‌ام داشت تعجب کرد و از کسی که نزول می‌داد بیشتر! قبول کرد با او صحبت کند و با درمیانی ریش سفیدهای بازار که با او خسترو نشری داشتند، چک اصل پول را پس داد و من برای همیشه از قید این بدهی راحت شدم و پشت دستم را داغ کردم سراغ پول نزول نروم!

به نظر من اگر بانک‌ها با مردم کنار بیایند، اگر شرایط آنها را درک و بهتر خدمات‌رسانی کنند ریشه را خشک می‌شود. خیلی‌ها نخواستند در این بند گرفتار می‌شوند.

کافی است به هر دلیلی الوده پول نزول بشوند، دیگر آن زندگی رنگ خوشی سفیدها بازی آید. پولش پول را می‌گیری و احساس خلاصی می‌کنی، ولی بعداً که هوشیار می‌شوی تازه می‌فهمی چه خطبی کرده‌ای.

## درد

پس از گذشت سه قرن از زمانی که آیزاک نیوتن دار و نندارش را از دست داد، آخرین پیامش برای ما می‌تواند چنین باشد: شاید بتوان او و همتا پانش را به خاطر شکستش در آن فاجعه بخشود، چراکه آن موقع اولین بار بود که رخ می‌داد، اما ما چنین عذر و بهانه‌ای نداریم

حرکت اجرام آسمانی را اندازه‌گیری کنیم، اما چون مردم رانه.»

البته که این بهانه‌ای بیش نبود. وقتی دنیا عقل‌ستیز باشد، تصمیرات از گردن او ساقط می‌شود. اما حالا که سه قرن گذشته، آن توضیحات نمی‌تواند دلیل بر توالی خاص تصمیمات نیوتن در بهار حباب باشد، چون هر کدام از تصمیماتش در زمان خود معقول به نظر می‌رسد. حالا پس از گذشت سه قرن از زمانی که آیزاک نیوتن دار و نندارش را از دست داد، آخرین پیامش برای ما می‌تواند چنین باشد: شاید بتوان او و همتایش را به خاطر شکستش در آن فاجعه بخشود، چراکه آن موقع اولین بار بود که رخ می‌داد، اما چنین عذر و بهانه‌ای نداریم.
**نقل از ترجمان با تلخیص/ نوشته توماس لونسون / ترجمه علیرضا شیعی نسب / مرجع: Atlantic**

از منظر دینی، سیره عملی حضرت فاطمه(س) نشان می‌دهد نقش منابع غیرمادی در اقتصاد اسلامی مهم‌تر از منابع مادی اقتصادی است. آن حضرت بهترین شیوه معقول و منطقی را برای استفاده از این منابع برای رزق طیب و جامعه امروز ما، با الگو گرفتن از ایشان می‌توانند نقش کارآمدی در رشد و بالندگی سرمایه‌های انسانی پیدا کنند. امروزه زنان به عنوان نیروهای کار کیفی در جریان بهره‌وری و تولید ناخالص ملی نقش غیر قابل انکاری ایفا می‌کنند. فلذا، می‌توانند با سازماندهی و مدیریت صحیح میان درآمد و مصرف توازن برقرار و به ایجاد کلونوی گرم برای اعضای خانواده و محیطی سراسر از محبت، دوستی و تقاهم و افزایش امید به آینده فرزندان کمک شایانی کنند. زنان انقلابی امروز با تأسی به سیره عملی حضرت فاطمه(س) نقش مؤثر و کلیدی در سلامت جامعه و پرورش نیروهای فعال و مولد و در نهایت سهیم عمده‌ای در رشد و توسعه اقتصادی جامعه دارند. فرزندان ما باید از مدار آن خود بیاموزند که تفاوت‌های مادی، مالک‌ارزش‌گذاری انسان‌ها نیست و اگر شخصی بخواهد بدون توجه به امکانات، میزان درآمد، قناعت و رضایت از آنچه خداوند به او داده است به زندگی دیگران چشم بدوزد، بی‌تردید آسایش خواهد انداخت؛ زیرا آدم‌ها در کسب مادیات آزند هستند و هر چه در این زمینه بیشتر پیش ببرند، به آرامش خاطر نخواهند رسید.

از بعد زندگی دنیوی، بانوان باید بدانند که اقتصاد خانواده به معنای چگونگی ساماندهی و مدیریت منابع خانه است. خانواده به منزله سازمانی است که تأمین و توزیع کالاها ی مسورد نیاز را فراهم می‌سازد و خانم خانه به عنوان یکی از دو رکن اساسی خانواده در این سازماندهی و مدیریت، نقش اساسی ایفا می‌کند. طبق وظیفه مادری و همسری، بیشتر منابع مصرف به آنها سپرده می‌شود و باید بتوانند با تدبیر صحیح میان درآمد و مصرف توازن لازم را به وجود آورند. در حقیقت زنان در این زمینه نقش کلیدی داشته و بنابر این درک آنان از مصرف و چگونگی آن می‌تواند بدون استثنای بر همه خانواده تأثیرگذار باشد. با توجه به اینکه پیشتر فعالیت‌های اقتصادی بانوان مخصوصاً خانم‌های غیر شاغل در درون خانواده است، نقش آنان به عنوان پرچم داران اقتصاد قابل تأمل است.

اگر احساس وظیفه حفظ سرمایه‌های کشور در زمان ایجاد شود، این امر خود به خود عاملی برای ایجاد الگوی مناسب مصرف برای نسل‌های بعدی خواهد شد. از سویی دیگر، چون خانواده مصرف‌کننده کالاها و خدمات تولید شده در جامعه است، روش صحیح استفاده از آنها، میزان بهره‌وری را بالا برده و از هدر رفتن امکانات جلوگیری می‌کند. در صورتی که فرهنگ قناعت از طرف خانواده‌ها رعایت نشود، به جامعه نیز تسری یافته و نیروی انسانی در سطوح مختلف اداری، صنعتی و کشاورزی به سوی حیف و میل بیت‌المال و سرمایه‌های ملی یا دست‌اندازی به اموال دیگران حرکت خواهد کرد و این مسئله نتایج بسیار با خیر و برکتی به همراه خواهد آورد. به بیانی دیگر، رشد و توسعه کشور در قالب فرهنگ‌سازی خانواده آن هم از جانب رکن اصلی تربیتی آن یعنی مادر امکانپذیر می‌گردد. مصرف باید در چارچوب صحیح و متعادل صورت پذیرد. زن می‌تواند با پرهیز از اسراف از اتلاف و هدر رفتن امکانات، لوازم، مواد غذایی و پوشاک اجتناب و جامعه را به مصرف صحیح هدایت کند.